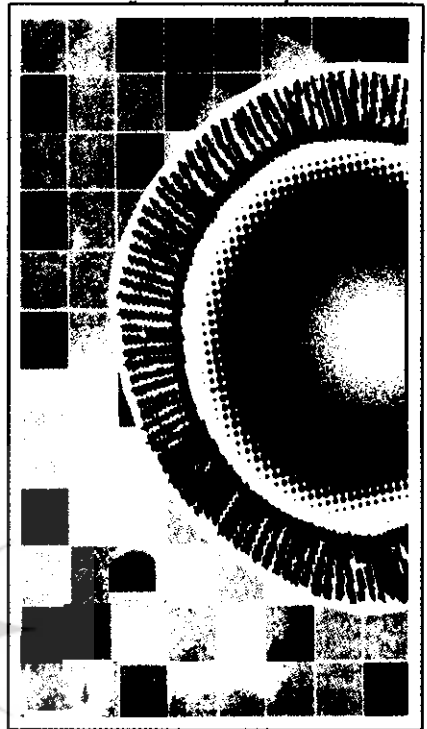


«جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا اکنون» نام مجموعه‌ای است که در هشت جلد از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی به زیور طبع آراسته شده است. این اثر که دو جلد آن به فعالیت‌ها، یک جلد آن به زندگی نامه اعضا و پنج جلد آن به بیانها و اطلاعیه‌ها اختصاص دارد، به همت حجة الاسلام سید محسن صالح و با نظارت آية الله یزدی سامان یافته است.

جلد اول که فعالیت‌های این تشکل روحانی را از سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۴۱ منعکس کرده، چگونگی شکل‌گیری آن را ترسیم نموده است. با اشاره به دغدغه‌های اصلاحی فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم در زمان حیات آية الله العظمی بروجردی، هسته اولیه مدرسین در سال ۱۳۴۱، سپس تشکیل «جمعیت یازده نفره» در سال ۱۳۴۲ و ارتباط آن را با جریان مدرسین تشریح کرده، آنگاه به نقش فعال آنان در دوران تکوین نهضت (۱۳۴۴ - ۱۳۴۱) پرداخته است. در این دوره مدرسین با حضور فعال و تأثیرگذار خود در قضایای قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و قیام پانزده خرداد، دستگیری و آزادی امام



## نگاهی به «جامعه مدرسین از آغاز تا انجام»



خمینی، قانون کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی در پیشبرد نهضت اسلامی ایفای نقش کردند.

فصل سوم که «دوران صیانت از نهضت» نام گرفته، فعالیت مدرسین را از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ منعکس می‌کند. از جمله سر فصل های این مقطع عبارتند از:

دستگیری و تعقیب مدرسین در سال ۱۳۴۵.

طرح ولایت فقیه و مرجعیت امام در سال ۱۳۴۹.

تبعید گسترده مدرسین در سال ۱۳۵۲ و ثمرات آن.

مواضع مدرسین در قبال جریان‌های انحرافی در ماجراهایی مانند کتاب شهید جاوید، سازمان مجاهدین خلق، حسینیه ارشاد و دکتر شریعی.

فعالیت مدرسین در دو مرکز فرهنگی مدرسه حقانی و دارالتبلیغ اسلامی.

### ◁ پژوهش در حکومت اسلامی

فعالیت‌های فردی مدرسین: در باره نقش مدرسین در مسأله «حکومت اسلامی» می‌توان از فعالیت «گروه ولایت» در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ نام برد که به ابتکار آیه الله سید محمد حسینی بهشتی تشکیل شد. از جمله افرادی که در این گروه شرکت داشتند: آقایان آذری قمی، امینی، شهید باهنر، ربانی شیرازی، سبحانی، طاهری، شهید قدوسی، محفوظی، مشکینی، مصباح یزدی، شهید مفتاح، مکارم شیرازی، هاشمی رفسنجانی و یزدی، که آقای مصباح دبیر گروه بودند.

آقای یزدی در باره طرح مذکور و چگونگی پیشبرد و اجرای آن می‌گوید:

«شهید بهشتی در ابتدای جلسه عنوان کردند که ما باید راجع به شکل حکومت اسلامی در اینجا بحث کنیم و این بحث تاکنون در جایی مطرح نشده است. برای برابری شدن بحث باید ابتدا تمام اسناد و مدارک موجود در این رابطه، اعم از قرآن و حدیث گردآوری شود و بعد کار طبقه بندی و تنظیم آنها صورت گیرد تا در نهایت بتوان به شکل کار تحقیقی و دانشگاهی ارائه نمود. در جلسه دوم منابع و مأخذ مشخص و تحقیق در هر یک از آنها به عهده یکی از افراد جلسه گذاشته شد و به او مأموریت دادند که کتاب مزبور را یک دوره به طور کامل مطالعه کند و هر جا که به بحث حکومت اسلامی مربوط می‌شود، یادداشت نماید و فیش برداری



با طرح مسأله  
ولایت فقیه در سال  
۱۳۴۹ از سوی امام  
خمينی در نجف  
اشرف، مبارزات  
روحانیت وارد  
مرحله جدیدی شد.

کند. در هر جلسه نیز افراد حاصل تحقیقات خود را ارائه  
کنند تا پس از جمع بندی و تنقیح، شکل حکومت اسلامی  
استخراج شود. این کار مدت ها به طول انجامید و بسیار  
هم ثمر بخش بود.»

بعدها این جلسه بارفتن شهید بهشتی به آلمان با وقفه روبرو شد،  
اما با جذب افراد جدید مانند آقایان محمدی گیلانی و سفارش های  
آقای بهشتی از طریق نامه، جلسه ادامه پیدا کرد و «هزاران برگ فیش  
در زمینه حکومت اسلامی» تهیه شد. در سال ۱۳۴۹ با بازگشت آقای  
بهشتی، مرکزی در تهران برای ادامه کار ایجاد گردید، اما متأسفانه  
ساواک مطلع شد و با اشغال آن مرکز تمام برگه ها و فیش های تهیه شده  
از بین رفت.

با طرح مسأله ولایت فقیه در سال ۱۳۴۹ از سوی امام خمینی در  
نجف اشرف مبارزات روحانیت وارد مرحله جدیدی شد. آیه الله  
طاهری خرم آبادی در این باره می گوید:

«در مرتبه نخست مبارزه، هدف، عقب نشینی رژیم از  
مواضع خود و عدم تصویب قانون ضد اسلامی و عمل به  
قانون اساسی بود... در مرتبه دیگر هدف، ساقط کردن  
رژیم بود، اما اینکه بعد از سقوط رژیم چه می شود و چه  
برنامه ای وجود دارد معلوم نبود. حتی مبارزان و انقلابیون  
داغ نمی دانستند چه برنامه ای برای حکومت دارند. طرح  
مسأله ولایت فقیه نقطه عطفی بسیار مهم و اساسی در  
مبارزات بود.»

با انتقال درس های امام از نجف به ایران برخی از مدرسین به فکر  
انتشار مطالبی در باره حکومت اسلامی افتادند. مرحوم ربانی املشی  
با تشویق دوستان دیگر مانند مرحوم ربانی شیرازی فعالیت های خود  
را کنار گذاشت و تمام شب و روز روی موضوع حکومت اسلامی کار



طرح و پی‌گیری  
مرجعیت امام  
خمینی پس از  
وفات آیه الله  
العظمی حکیم از  
جمله اقدامات  
مدرسین در این  
مقطع بشمار  
می‌رود.

کرد. چندین سال در این موضوع کار کرد و زحمت کشید و مطالب زیادی تنظیم کرد. در سال ۱۳۵۶ که فشارها زیاد شد و ایشان را تبعید کردند، مجبور شد جزوات را در باغچه منزلش دفن کند، اما متأسفانه این جزوات گم شد و باعث تأسف ایشان گشت.

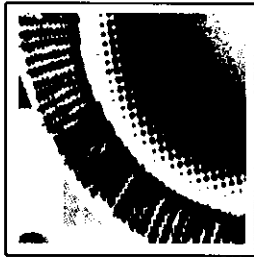
«حکومت اسلامی از موضوعات ثابت منبرها شد. گاهی به ولایت فقیه تعبیر می‌شد، گاهی هم حکومت اسلامی و حکومت پیامبر ﷺ و حکومت علی ﷺ و حکومت فقیه در عصر غیبت.»

افرادی که در این مقطع در این موضوع به تدریس، سخنرانی و نگارش کتاب و جزوه پرداخته و منتشر نمودند، عبارتند از: آقای علی مشکینی، آقای محمد یزدی، آقای محمد علی گرامی که پیشتر با ترجمه کتاب‌های سید قطب و ابوالاعلی مودودی مباحثی در باره حکومت اسلامی و ولایت فقیه مطرح کرده بود. آقای محمد تقی مصباح یزدی، آقای علی احمدی میانجی و آقای عبدالرحیم ربانی شیرازی که نخستین نامه را پس از درس‌های ولایت فقیه امام به ایشان نگاشت و خواستار تشکیل جلسه تحقیقی در موضوع حکومت اسلامی شد. وی پژوهش در موضوعاتی چون تقسیم وظایف حکومتی، شرایط رؤسای ادارات و حدود مسؤولیت آنها، وظایف حاکم، وظایف ملت در مقابل حاکم، سیره حاکم، مالیات اسلامی و اموال عمومی غیر از خمس و زکات، مانند خراج، جزیه، انفال و اوقاف عام را لازم می‌شمارد.

### ◀ تثبیت مرجعیت امام خمینی

طرح و پی‌گیری مرجعیت امام خمینی پس از وفات آیه الله العظمی حکیم از جمله اقدامات مدرسین در این مقطع بشمار می‌رود. در حالی که رژیم به شدت از این مسأله بیمناک بود و با مدرسان فعال برخورد شدیدی نمود، اما اقدام مدرسین بویژه پاسخ مکتوب دوازده نفر از فضلا و مدرسین درباره مرجعیت امام اقدامی بسیار مهم و





شجاعانه در آن مقطع بود. در مجالسی که به مناسبت وفات آیه الله حکیم برگزار شد، مرجعیت امام خمینی توسط برخی از سخنرانان به اطلاع عموم رسیده و اعلامیه‌ها و تلگرام‌های مدرسین قرائت شد. این اقدام و اقدامات دیگر مدرسین به تبعید گسترده آنان در سال ۱۳۵۲ منتهی شد، اما این تبعیدها که اقامت اجباری فضلا و مدرسان به نام حوزه در شهرهای مختلف کشور را به دنبال داشت، برکات فراوانی داشته و موجب بیداری مردم گردید.

در این مقطع آقای آذری قمی به برازجان و نائین، آقای انصاری شیرازی به کوهدشت و نائین، آقای جنتی به اسدآباد، آقای خزعلی به گناوه و دامغان، آقای خلخالی به انارک و رودبار، آقای ربانی املشی به شوشتر و فردوس، آقای فاضل لنکرانی به بندر لنگه و یزد، آقای محفوظی به رفسنجان، آقای مشکینی به ماهان، گلپایگان و کاشمر، آقای منتظری به طبس، خلخال و سقز، آقای مؤمن به شهداد و توسیرگان و آقای یزدی به کنگان و رودبار تبعید شدند.

### ◀ خلع شاه از سلطنت

در فصل چهارم این جلد فعالیت های مدرسین از آبان ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷ با تکیه بر اسناد و مدارک تشریح شده است. در این مقطع نیز به خاطر مشارکت جدی فضلا و مدرسین حوزه در نهضت و تهییج مردم به مبارزه، عده‌ای دستگیر و زندانی و عده‌ای دیگر تبعید شدند. پس از راهپیمایی‌های میلیونی ملت در روزهای تاسوعا و عاشورا مدرسین حوزه با صدور اعلامیه‌ای در ۲۹ آذر ۱۳۵۷ شاه را از سلطنت خلع نمودند. در این اعلامیه آمده است:

«ملت نستوه و آگاه ایران داوطلبانه و شجاعانه در دو روز تاسوعا و عاشورای سال جاری (۱۹ و ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۷) راهپیمایی عظیم و بی سابقه‌ای را در سراسر کشور ترتیب داد و با صراحت هر چه تمام‌تر در قالب شعار، پلاکارد و قطعنامه مخالفت خود را با شخص شاه و



جامعه مدرسین در  
اعلامیه ۲۹ آذر ۵۷:  
شاه و رژیم  
شاهنشاهی  
پایگاهی در میان  
ملت ندارد و شاه از  
مقام خود مخلوع و  
سلطنت او غیر  
قانونی است.

رژیم شاهنشاهی بیان داشت و خواستار تشکیل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری نائب الامام، حضرت آیه الله العظمی خمینی - دام ظلّه - شد. ملت ایران در این رفتارندم صد در صد آزاد که مورد تصدیق مراجع عالیقدر بود. و خبرگزاری های بزرگ دنیا هم گزارش آن را داده اند، رأی صریح خود را داد.»

سپس رسماً به شخص شاه، دولت، ارتش، مقامات و وزارت کشور و به دولت هایی که با کشور ایران رابطه ای در حد تبادل سفیر دارند، ابلاغ نمودند که:

« ۱. شاه و رژیم شاهنشاهی پایگاهی در میان ملت ندارد و شاه از مقام خود مخلوع و سلطنت او غیر قانونی است و فوراً باید کناره گیری خود را اعلام دارد و بساط شاهنشاهی برای همیشه باید از این مملکت برچیده شود.

۲. هر چه زودتر می بایست حکومت جمهوری اسلامی زیر نظر نائب الامام حضرت آیه الله العظمی خمینی تشکیل گردد...».

توجه به حاکمیت رژیم سلطنتی پهلوی و شخص شاه و دولت نظامی و نامعلوم بودن سرنوشت مبارزه، اهمیت این اعلامیه را نشان می دهد. مطالعه اقداماتی که در خصوص تهیه و تدوین این اعلامیه و چگونگی انتشار آن انجام گرفته، جالب و مفید است. (صص ۵۶۸-۵۶۲)

### ◀ فعالیت های بعد از انقلاب

جلد دوم این مجموعه از ده بخش تشکیل شده و عناوین بخش ها عبارتند از:

بخش اول: اساسنامه و عضوگیری  
بخش دوم: صیانت از کیان مرجعیت



بخش سوم: چالش های اقتصادی دهه شصت

بخش چهارم: حوزه علمیه قم

بخش پنجم: انتخابات مجلس خبرگان

بخش ششم: انتخابات ریاست جمهوری

بخش هفتم: انتخابات مجلس شورای اسلامی

بخش هشتم: ستاد انقلاب فرهنگی

بخش نهم: مؤسسات وابسته

بخش دهم: قائم مقام رهبری

در بخش اول به تفصیل از اساسنامه جامعه در مراحل مختلف سخن گفته و مراحل تنظیم و تدوین آن تشریح شده است. بر اساس آخرین تغییرات در اساسنامه به سال ۱۳۸۳، جامعه مدرسین یک نهاد علمی، فرهنگی و سیاسی است که با اهداف زیر فعالیت می کند:

الف - ترویج و گسترش معارف اسلام ناب محمدی و مکتب اهل بیت معصومین علیهم السلام.

ب - دفاع از قرآن و عترت و ارزش های اسلامی.

ج - زمینه سازی و جهت دهی به تحقیقات در علوم و معارف اسلامی.

د - تلاش برای اصلاح و تکمیل و اعتلای برنامه های حوزه های علمیه از طریق شورای

عالی حوزه.

ه - دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه.

و - ایجاد زمینه مناسب جهت پرورش نیروهای حوزوی مورد نیاز نظام اسلامی.

ز - انجام سایر امور که برای رسیدن به اهداف جامعه مدرسین ضرورت دارد مانند

تأسیس مؤسسات فرهنگی و غیره.

### ◀ خلع مرجعیت آقای شریعتمداری

بخش دوم حاوی دو فصل است، فصل اول به مسأله خلع مرجعیت آیه الله شریعتمداری اختصاص دارد. در این فصل با استناد به منابع مختلف سیر جدایی آقای شریعتمداری از انقلاب و رویارویی وی با امام و نظام جمهوری اسلامی تشریح شده است. در این بخش آمده است که یکی از روحانیون آذربایجانی به منظور ایجاد ائتلاف پیشنهاد می کند که حضرت امام در اعلامیه های خود اسمی از شریعتمداری ببرد و امام پیغام می دهند که «ایشان



یکبار در اطلاعیه خودشان از شاه اسم ببرد، من ده بار در اعلامیه‌های خودم از ایشان نام می‌برم.» ولی وقتی این پیغام به شریعتمداری می‌رسد، او در پاسخ می‌گوید:

«اینان (آقای خمینی و نزدیکانش) اشتباه می‌کنند و شکست خواهند خورد. بگذارید آیندگان بگویند در میان آنها یک آدم عاقلی هم بوده است. آقای خمینی و اعوان و انصارش کنار بکشند، من در عرض شش ماه با همان قانون اساسی مشروطه، شاه را از کشور بیرون می‌کنم.»

آقای بکائی که آن پیشنهاد را مطرح کرده بود، می‌افزاید:

«من همانجا دریافتم که ایشان به اصل انقلاب ایمان ندارد.»

در مراحل بعدی پس از ماجرای حزب خلق مسلمان و آشوب‌های قم و آذربایجان و دخالت شریعتمداری در کودتای نوژه و پس از آن در توطئه کودتای قطب زاده، در نهایت جامعه مدرسین در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱ بیانیه‌ای تاریخی صادر کرد و با استناد به حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام که شرایط فقها را بیان می‌کند، و با بر شمردن اقدامات شریعتمداری بر خلاف مصالح اسلام و انقلاب نوشتند:

«بنا به وظیفه شرعی بر خود لازم دانستیم که سقوط مشارالیه از شایستگی مرجعیت را بالصراحة اعلام نماییم تا افرادی از مسلمانان که در حالت تردید و دودلی بودند، تکلیف خود را بدانند و احیاناً با تقلید خود به اسلام و انقلاب ضربه وارد نکرده باشند. گرچه طلاب عزیز و فضلا خود اعلان کردند که از گرفتن شهریه او خودداری خواهند کرد.»

در فصل دوم، روند معرفی شخصیت‌های واجد شرایط مرجعیت پس از ارتحال حضرات آیات گلپایگانی و اراکی تبیین شده است.

### ◀ حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی

بخش سوم که بیشترین حجم این جلد را به خود اختصاص داده، «چالش‌های اقتصادی دهه شصت» است. جامعه مدرسین در این بخش حضور و چالش بیشتری با مسؤولان و دولتمردان داشته و به نقد و انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت پرداخته و در موارد





متعددی با ارسال نامه‌هایی به محضر امام خمینی نظرات و دیدگاه‌های خود را منعکس کرده و البته در برخی از موارد از سوی امام مورد استقبال قرار گرفته و در بعضی از موارد با پاسخ و انتقاد امام و حتی در یکی از این موارد با عکس العمل تند امام روبرو شد و جامعه مدرسین با ارسال نامه مجددی در صدد جبران برآمد. طرح واگذاری و احیای اراضی (بندج)، حضور در شورای عالی اقتصاد و حدود اختیارات دولت از جمله موضوعات مورد چالش در این بخش است.

در بخش انتخابات ریاست جمهوری، موضع‌گیری‌های جامعه مدرسین و مخالفت آن با کاندیداتوری بنی‌صدر منعکس است. هم‌چنین هوشیاری این تشکل در برابر تبلیغات منفی احزاب و گروهک‌ها بر ضد شخصیت‌های انقلاب مشهود است. در یکی از بیانیه‌ها آمده است:

«مدت‌هاست در صدد لکه دار ساختن چهره‌های پاک و فعال و از خود گذشته‌ای همانند برادران بزرگوار حجج اسلام جناب آقای دکتر بهشتی، جناب آقای خامنه‌ای و جناب آقای هاشمی رفسنجانی برآمده، ایادی ناپاک و خائن خود را به این سو و آن سو می‌فرستند، به حدی که حقایق نزد بعضی برادران هم‌رمز قلب و وارونه جلوه می‌دهد. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از این برادران عزیز جز پاکی و تقوا، علم، فضیلت، جهاد و مبارزه چیز دیگری سراغ ندارد.»

هم‌چنین پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا از سوی امام خمینی، جامعه مدرسین با ارسال تلگرامی حمایت قاطع خود را از این اقدام اعلام کرده و با ارسال تلگرامی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اشاره به سابقه و عملکرد بنی‌صدر و آشکار شدن چهره واقعی او خواستار برکناری و اعلام عدم صلاحیت او شدند.

جامعه مدرسین در ادوار مختلف در انتخابات ریاست جمهوری با حضور فعال در عرصه، مردم را به حضور فعال در انتخابات دعوت کرده و طبق تشخیص خود کاندیدای اصلح را به آنان معرفی نمودند. در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نسبت به انتخاب فرد اصلح، اختلاف نظری بین اعضای جامعه پیش آمد، علی‌رغم معرفی آقای ناطق نوری بعضی از اعضای این تشکل افراد دیگری را به عنوان کاندیدای اصلح معرفی کردند.

در جلد سوم این مجموعه زندگی نامه ۷۹ نفر از اعضای جامعه مدرسین از بدو شکل‌گیری تا به امروز درج شده که بازگوکننده زندگی گروهی از اساتید و بزرگان حوزه است و اجمالاً فعالیت علمی، سیاسی و اجتماعی اعضای این تشکل را نشان می‌دهد.



## ◀ بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها

جلد چهارم، حاوی بیانیه‌های صادر شده از سوی جامعه مدرسین در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ است که به مناسبت‌های مختلف به منظور اعلان موضع و آگاهی دادن به ملت شریف ایران و مبارزه با رژیم استبدادی پهلوی انتشار یافته است. در این میان یک نامه به آیه‌الله العظمی خویی در باره ملاقات ایشان با فرح دیبا در سال ۱۳۵۷ و یک اعلامیه در همین زمینه جلب توجه می‌کند. در این نامه و اعلامیه با اشاره به جنایات رژیم، از انجام این ملاقات اظهار نگرانی و تأسف شدید شده است.

جلد پنجم به بیانیه‌های سال‌های ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۶۱ اختصاص دارد. دعوت از مردم برای شرکت در همه‌پرسی قانون اساسی از جمله این بیانیه‌هاست که مربوط به دهم آذر ماه ۱۳۵۸ است که اشتباهاً در شمار بیانیه‌های سال ۱۳۵۹ درج شده و البته فراز آخر این بیانیه نیز در شمار بیانیه‌های سال ۵۸ آمده است (صص ۳۵ و ۱۱۸) بیانیه‌هایی خطاب به بنی صدر (رئیس جمهور وقت) و انتقاد از برخی عملکردها، بخش دیگری از بیانیه‌های سال ۵۹ است. نامه سرگشاده به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعتراض به لایحه اصلاحات ارضی، که با موازین اسلامی و فتاوی مشهور مراجع تقلید و امام امت تطبیق نمی‌کند، از جمله اسناد سال ۵۹ است.

جلد ششم، بیانیه‌های سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۶۲ را منعکس می‌کند. تنوع بیانیه‌ها به مناسبت‌های گوناگون داخلی و خارجی نشان از حضور فعال جامعه مدرسین در قضایای مذهبی، اجتماعی و سیاسی است. اطلاعیه محکومیت کارشکنی دولت عربستان در امر حجاج، نامه دو تن از اعضای جامعه مدرسین و نمایندگان امام در شورای اقتصاد درباره برنامه پنج‌ساله، نامه به محضر امام در تبعیت از فرمایشات ایشان در حمایت از دولت و مجلس، پیام به علما و ملت مصر درباره جنایات رژیم مصر و حمایت از حرکت‌های اسلامی در مصر، اطلاعیه درباره افتتاح معبد بهائیان در هند و درخواست از دولت جهت پی‌گیری و اعتراض، معیارهای اسلامی برای گزینش نمایندگان مجلس، تلگرام به امام امت و اعلان اطاعت از ایشان در پی قبول قطعنامه ۵۹۸، حمایت از حکم امام درباره اهانت سلمان رشدی به مقدسات، نامه‌ای خطاب به شورای بازنگری قانون اساسی درباره اصل ولایت فقیه مبنی بر اینکه «آن شورای محترم در باب اختیارات مقام رهبری، ولایت مطلقه فقیه را مد نظر داشته و این نقیصه را از قانون اساسی بزدایند... مسأله ولایت فقیه را که منصبی است الهی و

فهرست



جامعه مدرسین  
خطاب به شورای  
بازنگری قانون  
اساسی: آن  
شورای محترم در  
باب اختیارات مقام  
رهبری، ولایت  
مطلقه فقیه را  
مدنظر داشته و این  
نقیصه را از قانون  
اساسی بزادیند...

ادامه ولایت ائمه معصومین علیهم السلام، محدود به زمان نکنند که بدون تردید محدودیت موجب تضعیف مقام ولایت فقیه خواهد بود.» و ده ها نامه و بیانیه دیگر. گفتنی است آنچه در این جلد آمده، حاوی همه نامه های جامعه مدرسین در این مقطع تاریخی نیست، برخی از این نامه ها را که به چالش های اقتصادی دهه شصت مربوط می شود می توان در جلد دوم این مجموعه همراه با تحلیل ملاحظه کرد (مانند اسناد شماره ۳۵، ۳۸، ۴۸ و ۵۰).

جلد هفتم حاوی بیانیه های سال های ۱۳۷۶ - ۱۳۶۹ است: نامه سرگشاده، با امضای آیه الله محمد فاضل لنکرانی به شورای نگهبان در آستانه انتخابات دومین دوره مجلس خبرگان رهبری و تأکید بر اینکه «در غیر مواردی که اجتهاد آنان (کاندیدها) مورد تأیید رهبری انقلاب قرار گرفته و یا در حوزه های علمیه معروف به اجتهاد باشند، بالمباشره امتحان و شرط لازم را احراز و بدین وسیله به وظیفه شرعی و انقلابی خود در این مقطع حساس و خطیر عمل نمایند.» هم چنین بیانیه درباره اهمیت مجلس خبرگان و شرکت در انتخابات آن، نامه هایی خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی در باره اصلاح قانون انتخابات، اطلاعیه حمایت از مردم عراق و محکومیت تعرض به حوزه علمیه نجف و مرجعیت، اطلاعیه در حمایت از برنامه ها و اقدامات دولت آقای هاشمی رفسنجانی. اطلاعیه تعطیلی دروس حوزه و برگزاری سوگواری در پی توهین به ساحت مقدس رهبر فقید انقلاب، اطلاعیه در محکومیت سازش ساف با رژیم صهیونیستی و اعلام تعطیلی حوزه، بیانیه مهم در باره مرجعیت، بیانیه در نکوهش عملکرد خصمانه دستگاه قضایی آلمان و ...

جلد هشتم و پایانی این مجموعه بیانیه های جامعه مدرسین را در سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۷۷ منعکس کرده است. در این جلد نیز اطلاعیه ها، نامه ها و بیانیه های متفاوتی را در موضوعات متنوع داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نیز حوزوی



شاهدیم. وجود اطلاعیه‌هایی در دفاع از کیان اسلام، مقدسات، مرجعیت و روحانیت که حاکی از وجود نابسامانی‌هایی در عرصه اجتماعی و سیاسی است، از ویژگی‌های این مقطع تاریخی است. این مجموعه ارزشمند نشانگر فعالیت این تشکل در بیش از چهار دهه پرفراز و نشیب است. هر چند وجود پاره‌ای موضع‌گیری‌های ناپخته، عجولانه و غیر واقع بینانه در این مدت طولانی از سوی هر تشکلی امری طبیعی است، اما یک قضاوت منصفانه و واقع بینانه نشان می‌دهد که جامعه مدرسین در عمر طولانی و بابرکت خود تشکل موفق و تأثیرگذاری به شمار می‌رود که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند. در مواردی نادر موضع‌گیری عجولانه تعدادی از اعضای این تشکل عکس‌العمل خود این مجموعه را به دنبال داشته و در صدد جبران برآمده‌اند.

دو نمونه از آن را می‌توان در جلد‌های دوم و هشتم ملاحظه کرد که جامعه مدرسین با صدور اطلاعیه‌ای، اطلاعیه قبلی خود را مورد مناقشه قرار داده و در صدد اصلاح برآمده. در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای دست‌اندرکاران تدوین این مجموعه امید است در چاپ‌های بعدی ایرادات آن برطرف شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

علوم انسانی

سال دوازدهم / شماره دوم



۲۶۲

